

بررسی تطبیقی مفهوم آرمانشهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب

دکتر مسعود مطلبی\* / دکتر محمد مهدی نادری\*

### چکیده

آرمانشهر، یوتوپیا یا مدینه فاضله از جمله مفاهیمی است که سال‌ها ذهن اندیشمندان و فلاسفه را چه در دنیای غرب و کسانی چون افلاطون، آگوستین، توماس مور، کامپانلا و مارکس و چه در دنیای اسلام و ایران و کسانی چون فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، شهاب‌الدین سهروردی و ابن خلدون را به خود مشغول کرده است. در نوشتار حاضر تلاش شده است با بهره‌گیری از روش تحلیل مقایسه‌ای، به بررسی مفهوم، ماهیت، شکل، دامنه و عملکرد آرمانشهر در اندیشه‌های سیاسی اسلام، ایران و غرب پرداخته شود.

### کلید واژه‌ها

یوتوپیا، ضد یوتوپیا، آرمانشهر شیعی، آرمانشهر سوسیالیستی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* استادیار علوم سیاسی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر

\*\* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر

## مقدمه

تاریخ زندگی بشری گواه آن است که سودای نیل به سعادت فردی و اجتماعی و جامعه‌ای عاری از کاستی، همواره ذهن اندیشمندان و فلاسفه را به خود مشغول داشته و با تولد اندیشه در انسان همراه بوده است. چنین انسانی در آرزوی داشتن جامعه‌ای عاری از پلیدی، خشونت و خودخواهی‌ها و همراه با رفاه و آسایش، همواره در تکاپو بوده و چاره‌ها اندیشیده است زیرا آدمی همواره مقهور امیال خودخواهانه خود بوده و این امر دورانی تیره و فلاکت بار را برای او به ارمغان آورده است. لذا سودای ساختن جامعه‌ای بسامان و یک آرمانشهر پاسخی است به چنین وضعیتی که فیلسوف سیاست را مشغول خود ساخت تا جایگزین مناسبی برای وضعیت فعلی خویش فراهم آورد و اگر فیلسوف وضعیت را مناسب می‌دید همین وضعیت طبیعی برایش آن آرمان مطلوب و عصر طلایی بود و دیگر معنا نداشت به دنبال یک آرمانشهر باشد. آرمان‌خواهی بزرگترین عامل حرکت و تکامل آدمی بوده و او را داشته تا هرگز در حصار محدود و ثابت واقعیت موجود در طبیعت و زندگی ساکن نشود و همین نیرو است که او را همواره به تفکر، کشف، کنجکاوی، حق‌یابی، ابتکار و خلق مادی و معنوی وا می‌دارد؛ هنر، ادبیات و تمام فرهنگ بشری تجلیگاه روح ایده‌آل این موجودی است که هرگز به تسلیم در برابر وضعی که جهان برایش تدارک دیده خشنود نیست، به‌ویژه انسان عصر جدید یک نگاهش به گذشته‌ای سراپا تیره و تاریک همانند قرون وسطی و یک نگاهش به آینده‌ای روشن و عصری طلایی بوده و خواهان جهانی پرشکوه و جلال بوده است. از این روی تشکیل جامعه‌ای آرمانی، اصلاحگری آن در رفع مظاهر مفاسد هر جامعه و زیستی انسانی سودای همیشگی بشریت بوده است و البته این رویای بشری صفحه ضمیر اندیشه ورزان مشرق زمین و مغرب زمین را در نوردیده و پیرو قابلیت‌های آنان، تعینات گوناگونی یافته است، چنان‌که شاعر در شعرش، پیکره تراش در پیکره‌اش و نقاش در نقاشی‌اش آرمان خود را نشان می‌دهد. در نوشتار حاضر ضرورت بحث از آنجا روشن است که آرمانشهرگرایی، ذهن بسیاری از فیلسوفان و اندیشه ورزان را به خود واداشته و تأثیرات بسزایی در عالم اندیشه و تاریخ نهاده و مواردی از آن، همانند تفکر مارکسیسم موجب تحولات چشمگیری در تاریخ شده‌اند.

از افلاطون<sup>۱</sup> یونانی در کتاب «جمهوریت»<sup>۲</sup>، توماس مور<sup>۳</sup> در کتاب «یوتوپیا»<sup>۴</sup>، فرانسیس بیکن<sup>۵</sup> در کتاب «آتانتیس»<sup>۶</sup>، کامپلانا<sup>۷</sup> در کتاب «شهر آفتاب»<sup>۸</sup>، جیمز هرینگتون<sup>۹</sup> در کتاب «اوستانیای»، ولتر<sup>۱۰</sup> در کتاب «شهر زرین»<sup>۱۱</sup>، اتین کابه<sup>۱۲</sup> در کتاب «سفر به ایکاری» تا کارل مارکس در مغرب زمین و کسانی چون فارابی، خواجه نصیرطوسی، سهروردی، ابن خلدون و ... همگی کوشیده‌اند به توصیف آرمانی شهری ایده‌آل یا همان آرمانشهر مطلوبشان بپردازند. تحقق عدالت، دستیابی به حقیقت، طرح جامعه آرمانی، مفاهیم خیر و شر، برابری و برادری، مفاهیم عقلانی، شیوه‌های رستگاری آدمیان، مشخصات حکمران و حاکم آرمانشهر، تحقق بهشت این جهانی، و... همگی در اندیشه‌های آرمان ورزانه اندیشمندان آرمانشهر ذکر گردیده است.

تصویری که از شهر آرمانی در سیمای توصیفی نامبردگان ارائه گشته است، برحسب مواضع سیاسی و مذهبی و ایدئولوژیکی و فرهنگی عصر خود بوده است. گاه آرمانشهر در اساطیر عصر زرین گذشته جست و جو شده است، و گاه به صورت بازآفرینی‌ای تخیلی، تکنولوژیکی و ایدئولوژیکی در آینده درآمده است. گاه در افسانه‌ها و اساطیر و افتخارات ملی گذشته جست و جو گردیده است. گاه در محک بازگویی آرمان‌های نظام‌های حاکم و گاه در یادآوری انتظار فرج و در دستیابی به آینده‌ای موعود برای ضعفا و محرومان زمین، ترسیم گشته است. در پژوهش حاضر تلاش شده است با ارائه این فرضیه که آرمانشهر در اندیشه سیاسی اسلام ماهیتی دینی و آسمانی، در اندیشه سیاسی ایران باستان ماهیتی اسطوره‌ای و رازآمیز و در غرب بیشتر ماهیتی زمینی و برگرفته از خرد و تعقل فلسفی دارد به این سوال که وجوه تشابه و تمایز نظریه آرمانشهری در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب چیست؟ پاسخ داده شود.

- 1- Plato
- 2- Rics Public
- 3- Thomas Moore
  - Utopia
  - Francis Bacon
- 6- Atlantis
  - Thomas Ktay Kamplana
- 8- Sun City
- 9- James Harrington
  - Voltaire
  - Golden City
  - Etienne Kabh

استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای در این پژوهش، باعث دستیابی به اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی مفهوم، ماهیت، ویژگی، شکل، دامنه و کارکرد آرمانشهر در اندیشه‌های سیاسی اسلام، ایران و غرب می‌شود.

### گفتار اول: مفهوم و چیستی آرمانشهر

یکی از آرزوهای دیرینه بشر، دستیابی به آن نوع شیوه زیست بوده است که زندگی او را با بهروزی و کامیابی قرین سازد. «اندیشه آرمانشهری» آن بخش از اندیشه است که در طول تاریخ راه‌های تحقق این آرزو را بررسی کرده است. آرمانشهر، مدینه فاضله، جامعه توحیدی یا یوتوپیا جامعه‌ای است آرمانی، که در آنجا زندگی مردم، کامل و قرین رستگاری است.

مفهوم یوتوپیا از آشفتگی و صعوبت خاصی برخوردار است چنانکه نظریه پردازان و نگارندگان یوتوپیا نتوانسته‌اند به تعریف مشترکی از آن دست یابند اما واژه یوتوپیا برگرفته از واژه‌ی یونانی توپوس<sup>۱</sup> به معنی مکان است که نظریه پردازان با افزودن حرف نفی او<sup>۲</sup> از آن مفهومی منفی ساخته که خوبستان، هیچستان یا بهترین مکان یا لامکان<sup>۳</sup> و یا به گفته شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی ناکجاآباد معنی می‌دهد (سهروردی، ۱۳۸۰: ۲۱۱) و به‌عنوان یک تعریف توسط توماس مور برای کتابی که در سال ۱۵۱۶ منتشر گردید، استفاده شد.

یوتوپیا با نفی توپیا یعنی مکان، درصدد تغییر آن است. یوتوپیاها نه تنها متنوع‌اند که در بسیاری جهات با یکدیگر متضاد نیز هستند. برخی از آنها ستایش گر پرهیزکاری‌اند و برخی دوست دار لذت جویی. از همین رو، کریستیان گودن، در کتاب «آیا باید از یوتوپیا اعاده حیثیت کرد؟» از چهار دسته یوتوپیا نام می‌برد:

۱. یوتوپای آزادی که به ترسیم وضعیت ایده‌آلی بودن می‌پردازد؛
۲. یوتوپای با سنت مردمی و انقلابی از سنخ همان یوتوپای توماس مور؛
۳. یوتوپای نظم که وضعیت دولت ایده‌آل را ترسیم می‌کند؛
۴. یوتوپای نهادینه و تمامیت ساز که خود را از پیروان سنت «شهر خورشید» کامپانلا می‌داند (گودن، ۱۳۸۳: ۳۴-۳۵).

1- Topos

2- Ou

3- Eutopos

آرمان شهر یا یوتوپیا، شهر، جامعه یا دولتی آرمانی و کامل است که اهل آن، تاریخ ندارند و به دور از هر گونه نگرانی و ترس و آسوده از اندیشه مرگ، در شهر خود به کار مشغول‌اند. یوتوپیا شهری زمینی است که مردان آن، جایگاهی معین در شهر دارند و این انتظام را چیزی جز قانون آن شهر معین نکرده است که آن هم ساخته و پرداخته دست بشر است. آرمانشهر، رؤیای بازگشت به بهشتی است که آدم از آنجا رانده شد، اما در شکل بخشی آرمانشهر، اوصاف این بهشت به شهری زمینی نسبت داده می‌شود که در زندگی انسان متجلی است (شاه سنی، ۱۳۷۷: ۳۲).

در اندیشه و تفکر اسلامی، نخستین بار واژه‌ی آرمانشهر توسط حکیم ابونصر فارابی به صورت «مدینه فاضله» به کار گرفته شد، از آن پس این نام دستخوش تغییر نگردید. چرا که حکیم در کتاب خود از اقسام دیگر مدینه (مدینه‌ی ضروریه، بداله، خست، کرامت، ...) نیز یاد کرده است (فارابی، ۱۳۶۱: ۴۴)، بنابراین در اصل واژه تغییر داده نشده است. در فارسی بهتر است به جای واژه‌های بیگانه‌ی یوتوپیا و یا مدینه‌ی فاضله از واژه‌های آرمانشهر و آرمانشهرگرایی سود جسته شود چنانکه عزت‌الله فولادوند در ترجمه کتاب گریز از آزادی اثر اریش فروم از اصطلاح کام شهر و امیرحسین آریان‌پور در کتاب نقدهایی بر زمینه جامعه‌شناسی از اصطلاحات بی‌نام شهر، جامعه‌ی آرمانی، شهریور، خرم آباد، خیال آباد، شهر لامکان استفاده نموده است.

این اصطلاح تعاریف متعددی دارد، گاهی از آن به عنوان تصویری از گذشته دور و بدوی، وقتی که انسان ارتباط بیشتری با خدا یا خدایان داشت و گاهی هم در بعضی فرهنگ‌های باستان تصویری از سرزمینی بیگانه بود، که ساکنان آن در حکومتی بدون جرم و سختی زندگی می‌کردند، و البته در مقابل گاهی اصطلاح یوتوپیا به یک زمان و مکان کاملی در آینده ارجاع داده می‌شد، آنجا که، باز یافتن یک بهشت گم شده، تصویری از سلطنت مسیح و یا ایجاد یک جامعه‌ی ایده‌آل توسط خدا بوده است و در این میان گاه تصویری از جهان‌های آسمانی همچون افسانه‌ی جزایر خوشبختی، سرزمین پاک بودایی و یا تصویر قرآن از بهشت همه به‌عنوان تصویری از یک شهر آرمانی است که مطرح می‌شود. کارل مانهایم در مهم‌ترین اثر خود «ایدئولوژی و یوتوپیا» که در واقع پاسخی جامعه‌شناختی به کتاب «تاریخ و آگاهی طبقاتی» لوکچ بود، یوتوپیا را به‌عنوان آرزوی تغییر تعریف می‌کند به این معنی که اندیشه یوتوپیا

نیروی اصلی تغییر تاریخ است. آرزوهای یوتوپیایی عبارتند از تلاش برای متحول کردن نقش‌های اجتماعی موجود (Mannheim, 1936:106).

به لحاظ مفهومی، آرمانشهر یا یوتوپیا تجسم شهری آرمانی است، که از جمله آرزوهای کهن انسان بوده است، آرزویی کاملاً طبیعی که عمری به درازای عمر آدمی دارد. در واقع با تحقق این آرزو، مکانی پیدا می‌شود که مجمع همه‌ی خیرها و فضیلت‌هاست و در آن از شر و شیطان خبری نیست. ویژگی‌هایی که برای این مکان برشمرده می‌شود، آن چنان شوق‌انگیز است که کمتر کسی هوس رفتن بدانجا را نکند و البته بسیاری از اندیشمندان سیاسی سعی بر ایجاد چنین آرمانشهری داشته‌اند و به تعبیری می‌توان تاریخ اندیشه سیاسی را داستان جذاب و پر ماجرای کوشش برای تاسیس آرمانشهر دانست.

به هر ترتیب هم زمان با کوشش برای توصیف جامعه‌ای مطلوب و ایده‌آل و یا راه‌های دستیابی به آن، تعاریف مختلفی نیز بر حسب نظر اندیشمندان از یوتوپیا صورت گرفته است بعضی آنرا منطبق بر کمال معنوی انسان و عده‌ای آنرا در آزادی و خوشبختی مادی می‌دانند اما باید گفت، آرمانشهر، محصول تفکر انسان ناخرسند از وضعیت روزگار و در واقع تجلی آرزوی نویسنده است و هر یک از متفکران نیز به گوشه‌ای از ابعاد آرمانشهر پرداخته‌اند.

البته لازم به گفتن است که در قرون اخیر گونه‌ای از تفکر آرمانشهری سکولار به نام مارکسیسم رواج یافته است. آرمانشهری که نتیجه حاصل از آن یک جامعه آزاد از طبقات و مذهب است. مفومی که توسط سیاست‌مدارانی چون لنین، استالین و رهبران چین، کوبا و کره مورد بهره‌برداری قرار گرفت و بدین صورت سیاست‌های مارکس به سمت نوعی یوتوپیایی شدن حرکت کرد و بعدها کمونیسم و سوسیالیسم شکل‌های مختلفی به خود گرفت، که این نوع برداشت در پی توجه به ارزش‌های مادی و زمینی است.

حاصل آن که، برخی از ویژگی‌های یوتوپیایها را می‌توان این گونه برشمرد:

۱. یوتوپیا طرحی ذهنی و تصویری ایده‌آل از دنیای به نسبت بهتر می‌باشد؛
۲. یوتوپیا عدالت را شالوده اساسی حکومت خود می‌داند. در حقیقت ایده آرمانشهر گرایی از عمق وجودی یک فیلسوف به‌عنوان یک نگرش فطری به عدالت بر می‌خیزد؛
۳. یوتوپیا از سویی از واقعیت‌های موجود انتقاد می‌کند و از سوی دیگر، برای توصیف جامعه‌ی مطلوب وضع شده که در واقعیت وجود ندارد؛

۴. یوتوپیا می‌خواهد فرد را با جامعه و همگان متحد ساخته و سازش دهد و از این روی مدنیت طبیعی و رابطه تعاون میان انواع انسانی از شالوده‌های آرمانشهر است؛
۵. یوتوپیا از مرزهای زمان و مکان می‌گذرد. جایگاه آن تخیلی است؛
۶. جرقه پیدایش یوتوپیا در بحران‌ها زده می‌شود؛
۷. صلح، آسایش و رفاه از ویژگی‌های مثبت یوتوپیا به شمار می‌آید؛
۸. بیشتر نویسندگان یوتوپیا اندیش، افرادی گوشه‌گیر و ناسازگار بوده‌اند؛
۹. توجه به حاکم از ویژگی‌های غالب آرمانشهرها است. کسانی همانند فارابی و افلاطون، فرانسیس بیکن برآن بودند که باید حکیم حاکم و یا حاکم حکیم باشد. کامپلانا یک جامعه‌ی سوسیالیستی را به تصویر می‌کشد که کشیشان و روشنفکران، رهبران آن هستند و آگوستین معتقد است اراده الهی در بدو خلقت چنین بود که هیچ انسانی بر انسان دیگر حکومت نکند بلکه حاکم علی‌الاطلاق خدا باشد و انسانها در طول حاکمیت خدا باشند پس جامعه‌ای سعادت‌مند است که تحت نظارت و رهبری کلیسا و روحانیون باشد و بهتر و راحت‌تر همین است که مردان خداترس که از قوانین و اوامر الهی تبعیت می‌کنند همیشه در رأس امپراتوری‌ها باشند و این ستمها را نه به خاطر خود که به خاطر مردمانی که به آنها حکومت می‌کنند بپذیرند (حسینی، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۸).
۱۰. دانایی و خرد نیز از بارزترین ویژگی‌های آرمانشهر است و در غالب یوتوپیاها مورد توجه قرار گرفته است، چنانکه در بسیاری از آنها همانند آرمانشهرهای افلاطون، فارابی، فرانسیس بیکن و.... حاکم باید فیلسوف باشد.

#### گفتار دوم: آرمانشهر و آرمانشهرگرایی در اندیشه سیاسی اسلام

اندیشه آرمانشهر و پیدائی و پیدایش و خلق شهری آرمانی در تمامی مکتبها و اندیشه‌ها به نوعی موجود است. در این میان دین اسلام، به سبب رویکردهای خاص توحیدنگر و ویژگی‌های خاص خود، صفات و ویژگی‌های مشخصی را برای آرمانشهر مطلوب خود خواهان است. به بیانی دیگر یکی از مهمترین مباحثی که همواره در دین اسلام مطرح گشته است، مساله آخرالزمان، ظهور منجی موعود و تشکیل حکومت آرمانی در آن زمان است، که از امور مسلم و بدیهی نزد شیعیان می‌باشد.

آرمانشهر یا حکومت مهدوی به اعتقاد شیعه در موعد مقرر تحقق خواهد یافت و اندیشه انتظار که از مستحکم ترین عوامل پیشرفت شیعیان است از همین مفهوم سرچشمه می‌گیرد، اندیشه‌ای که از بعد از دوران غیبت کبری، امام دوازدهم شیعیان حضرت حجة ابن الحسن العسگری (عج) شروع گشته، هنوز ادامه دارد و روز به روز محکم تر گشته است. در نظر شیعه تاریخ بشری، فرجامی خجسته دارد و با ظهور مهدی (عج) کار جهان به سامان می‌آید و آدمی به رستگاری دست می‌یابد.

علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید:

«با این که شیطان از خدا تا قیامت مهلت می‌خواهد، اما مهلت الهی تا وقت معلوم است.»

بر اساس این آیه (سوره الحجر، آیات ۳۶ تا ۳۸)، دورانی می‌آید که زمان خوش دنیاست و آن روز دیگر شیطان بر انسان‌ها حاکمیت ندارد و مدینه‌ی فاضله تحقق می‌یابد و در آن موقع همه وعده‌های مربوط به امام زمان وفا می‌شود. در اعتقاد شیعه آن زمان جامعه‌ی اسلامی در سراسر دنیا پایه‌ریزی می‌گردد. زمانی که او ظهور می‌کند، دنیا آکنده از بی‌عدالتی، جنگ و خونریزی است که با ظهور حضرت مهدی (عج) انسانهای پرهیزگار وارث زمین می‌گرداند و آنانند که سعی در ترویج آرامش و امنیت در بین تمام انسان‌های دنیا می‌کنند، قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۴۰ می‌فرماید:

«و ما به نوبت این روزها را برای مردمان خواهیم آورد.»

قرآن به‌عنوان کتاب مقدس مسلمانان از سوی خدا بیانگر این امر است، که اسلام سراسر دنیا را فرا می‌گیرد و اسلام حقیقی با ظهور امام زمان و هدایت ایشان در همه جا پیروز می‌گردد (سوره انبیاء، آیه ۱۸ و سوره رعد ۱۷، آیه). در این زمان بدی‌ها، سختی‌ها و دشمنی‌ها از بین رفته و مدینه فاضله تحقق می‌یابد. دوره‌ای که قرآن و احادیث شیعه به آن اشاره کرده و آن را دوره تکامل انسان می‌داند، زیرا از همه‌ی جهات انسان به کمال می‌رسد و چنین گرایشی به مفهوم امید به آینده‌ای درخشان توأم با عدالت اجتماعی، در جوهر اعتقادات شیعه نهفته است و این آرمانشهر دارای صفات و ویژگیهای منحصر به فردی در اندیشه اسلامی است.

آرمانشهر اسلامی، شهر عدالت، شهر طهارت و پاکی، شهر ذکر و تذکر، شهر اصلاح، شهر شکر، شهر امن؛ و شهر تحقق شأن واقعی انسان در مقام خلیفه الهی است. اسلام در عین تذکر بر آدمی در هجران از دارالقرار واقعی و بهشت موعود، وعده تحقق حتمی آرمانشهری را ارائه



می‌دهد که صورت کالبدی آن در سیطره دولت امام دوازدهم حضرت بقیه‌الله مهدی موعود(ع)، نمود عینی خواهد پذیرفت.

جهان شمولی، بهره‌گیری از تمامی قابلیت‌ها و قدرت‌ها و نیروهای مادی و معنوی، تکامل شگرف علوم، اتصال آرمانشهر اسلامی مهدی موعود (ع) به عالم‌های بالا و عالم شهود و غیب برخیز از برجسته‌ترین صفات و ویژگی‌های آرمانشهر اسلامی حضرت مهدی موعود(ع) است.

### گفتار سوم: آرمانشهر در اندیشه سیاسی ایران

در ایران اندیشه آرمانشهری از روزگاران قدیم به صورت اساطیری آغاز شد و در دوران اسلامی در عرصه‌های دین، حکمت و ادب خودنمایی کرد (اصیل، ۱۳۷۴: ۱۹).

باید گفت که آرمانشهرهای ایرانی، برخلاف نمونه‌های یونانی آن، نیروی خود را نه از خرد و تعقل فلسفی (که نتیجه غور فلسفه یونانی در اخلاق، عدالت و مدنیت بود) بلکه از ادراک اسطوره‌ای و رازآمیز نسبت به جهان هستی اخذ می‌کردند. به عبارتی دیگر، آرمانشهر یونانی زاییده تعقل فلسفی و آرمانشهر ایرانی نتیجه درک رازآلود جهان بوده‌اند (رضایی‌راد، ۱۳۷۸). با این حال، نگرش معنوی به شهرها، تأثیرات قابل توجهی بر کالبد شهرها، به‌ویژه شهرهای باستانی، گذاشته است.

وجود حصار برای شهرها، مکانیابی شهرهای باستانی بر روی صفاها، نقشه شطرنجی و همچنین مدور شهرها، عمدتاً ناشی از تأثیر اعتقادات و اسطوره‌ها بوده است. حصار شهر، اگر چه عاملی طبیعی برای جلوگیری از تاخت و تاز مهاجمان محسوب می‌شده است، اما کارکرد معنوی بسی ژرفتر آن جدا کردن شهر از محدوده قوای اهریمنی و حفظ آن از اراده این نیروها بود.

استقرار غالب شهرهای ایران باستان در دامنه یا حصار کوه‌ها بجز تدبیر مسایل دفاعی، ناشی از این تفکر بود که صفاها شهر را به آسمان (ملکوت) نزدیکتر می‌سازند. در این تفکر همچنان که صحرای بی‌آب و علف و بیابانها، مکان وسوسه نیروهای شرور بود، کوه‌ها نیز مکان‌هایی قدسی و محل تجلی الهام‌های غیبی بر پیامبران و اولیاء تصور می‌شد.

شبکه شطرنجی شهر، تصویری از نظم مینوی بود. معبد تمثال فشرده‌ای از کل کیهان، گنبد آن نمودار فلک، ستونها یادآور درختان مقدس و نماد برکت بودند. به همین دلیل این معابد بر فراز کوهی مشرف بر شهر، یا همچون مساجد جامع در دوران اسلامی، در مرکز شهر،

در محل تقاطع راه‌های درون شهر، قرار داشت که آن نیز قرارگیری کعبه در مرکز کیهان را به یاد می‌آورد.

وجود چهار دروازه در بسیاری از شهرها، نمودی از جهات اصلی کیهان است. این جهات چهارگانه بر معماری خانه‌ها و آتشکده‌ها نیز اثر گذاشت.

کیهان مزدایی، شکلی مدور و منظم دارد. کل کیهان مانند تخم مرغی تصور می‌شود که آسمان و زمین را فرا گرفته است. شهرها با نقشه از پیش اندیشیده مدور، برگرفته از شکل کیهان بوده‌اند.

اردشیر خوره، نخستین شهر ساسانی، نمود کاملی از شهر مدور و برگرفته از این تفکر می‌باشد. در این شهر و دیگر شهرهای مدور، ارگ در مرکز، پس از آن محلات مسکونی و خیابانهای اصلی (شارستان) و سپس حومه آن (ریض) قرار داشت. بعدها همین شهر مورد توجه خلفای عباسی قرار گرفت و دارالحکومه بغداد بر سبک و سیاق آن ساخته شد (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۱۷).

مشهورترین و نخستین شهر آرمانی در دوران اساطیری، شهر ورجمکرد است که اشارات ملموسی درخصوص کالبد آن در اوستا صورت گرفته است.

یکی دیگر از شهرهای آرمانی دوران اساطیری، گنگ دژ است. این شهر را سیاوش پسر کاووس شاه در شرق سرزمین توران ساخت. گنگ دژ به روایت کتابهای دینی زرتشت، شهری مینوی بود که نخست در آسمان بر سر ایوان روان بود و سیاوش آن را در محل سیاوشگرد استوار نمود.

گنگ دژ علاوه بر منابع زرتشتی در شاهنامه فردوسی نیز به تصویر کشیده شده است و گنگ دژ شاهنامه (برخلاف گنگ دژ منابع زرتشتی که صیانت از آن برعهده هفت مرغ است) از دیدگاه طبیعی، تسخیر نشدنی است، زیرا در میان کوه‌های بسیار بلند استقرار یافته است و تنها راه آن به بیرون تنگه‌ای است به طول ده فرسنگ که از آنجا پنج مرد می‌توانند راه را بر صد هزار مرد جنگی ببندند.

از ویژگی‌های کالبدی و دفاعی شهر «فرشکرد» یکی دیگر از شهرهای آرمانی، سخنی به میان نیامده است و کاخ‌های کیکاووس و افراسیاب در مقیاس شهر نبوده‌اند.

در دوران تاریخی، عصر بهرام گور و عصر زرین انوشیروان، آرمانشهر عمدتاً به صورت غیرکالبدی توصیف شده است و تنها از نحوه زیست آدمیان، اخلاق، نحوه حکومت حاکم و

مواردی از این قبیل سخن به میان آمده و به خصوصیات کالبدی شهری که انسانها در آن می‌زیستند، توجهی نشده است (اصیل، ۱۳۷۴: ۶۰-۸۹).

در دوران پس از اسلام، آرمانشهر ایرانی در سه عرصه قابل بررسی است: در عرصه دین «انظار» و آرزوهایی که در پیرامون آن پدید آمده خود به اندیشه آرمانشهری الهام بخشیده است. در عرصه فلسفه، سه تن از بزرگترین حکیمان ایرانی (فارابی، ابن‌سینا و خواجه نصیرالدین طوسی) مبتکر اندیشه «مدینه‌فاضله» می‌باشند. فارابی، اولین متفکر مسلمان است که با تلفیق نظریات ایرانیان باستان و افلاطون و ارسطو و آموزه‌های اسلام، به تفصیل، به موضوع مدینه فاضله پرداخته است.

اساس و زیربنای مدینه فاضله فارابی، پرداختن به امور معنوی، عدالت‌خواهی، پرهیز از همه بدی‌ها و خصوصاً ظلم است.

رئیس مدینه فاضله وی، شخصی عالم به همه علوم و معارف و حقایق است که راه‌های سعادت را از طریق وحی و الهام و عقل، در می‌یابد و با ایجاد وحدت بین مردم و رفع بدی‌ها، آنان را به سعادت حقیقی در دنیا و آخرت می‌رساند.

در آرمان‌شهر فارابی، همه صاحبان حرفه‌ها، تحت ریاست عالم‌ترین فرد آن حرفه قرار می‌گیرند و متصدی هر کاری باید شایستگی و توان انجام دادن آن کار را داشته باشد. عرصه سوم الگو یا صورت مثالی آرمانشهری است که حوزه‌های دین و ادب هر دو را در برمی‌گیرد.

بطور کلی در عرصه فلسفه، آرمانشهرهای ایرانی دارای سه خصوصیت می‌باشند:

نخست اینکه شهر بر رهبری حکیمی فرزانه استوار است، دوم اینکه نظام سیاسی و اجتماعی طبقاتی است و هر کسی بر حسب شایستگی‌هایش در طبقه‌ای که سزاوار اوست قرار گرفته است، و سوم اینکه حکومت ضروری ناگزیر و ضامن بقای جامعه مدنی است.

در عرصه «صورت مثالی» برای شهر، جنبه‌هایی چون برابری، برادری و دوستی تعریف شده است که مردم آزاری در آن راهی ندارد و فاقد حکومت است.

بنابراین، در دوران اسلامی، چه در عرصه دین، چه در عرصه فلسفه و چه در عرصه صورت مثالی، به ابعاد کالبدی شهرها توجه اندکی شده است (همان: ۱۳۷۴).

در عرصه دین برداشت شیعیان از جامعه پس از ظهور حضرت مهدی (عج)، صلح و آرامش و رفاه و آسایش و برابری و برادری است. این برداشت الهام بخش جامعه آرمانی است و حتی به

آن فضیلت نیز بخشیده و شهرهایی را نام برده‌اند که اکنون وجود دارد و زیر فرمان فرزندان امام زمان است و جامعه شیعیان در آنها قرین سعادت زندگی می‌کنند، «جزیره خضرا» و «زاهره» نمونه‌هایی از این شهرها می‌باشند.

در جزیره خضرا رودها و چشمه سارها پرآب، آبشارها فراوان، باغ و بستان سرسبز و زمین بارور است. شهر در میان هفت دژ واقع شده و دارای برج و باروی بلند است. این شهر از مهمترین تناسبات کالبدی برخوردار است و بازارها و گرمابه‌های متعددی در آن وجود دارد و ساختمانها از مرمر شفاف ساخته شده است.

شهر زاهره در کنار دریا استقرار یافته است و پیمودن طول و عرض آن یک ماه به طول می‌انجامد. رودهای این شهر پرآب و چشمه سارهایش جوشان است. آب گوارا، هوا فرح‌انگیز و باغ و بوستان سرسبز است و آرامش و دادگری بر زندگی مردمان حاکم است.

#### گفتار سوم: آرمانشهر در اندیشه سیاسی غرب

آرمانشهرگرایی با افلاطون آغاز شد و فلاسفه‌ی دیگر چه در جهان اسلام و چه در غرب، به آن ادامه دادند.

افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م) پدر فلاسفه، دو کتاب درباره‌ی آرمانشهرگرایی دارد که اتفاقاً حجیم‌ترین این رسالت نیز می‌باشند: نخست رساله‌ی جمهور و دوم کتاب قوانین<sup>۱</sup> می‌باشد که آخرین اثر ایشان است و با فوت او ناتمام مانده. در کتاب جمهور، افلاطون از پایان بخش سوم پی‌ریزی یک آرمانشهر را آغاز می‌کند و در پایان بخش هفتم به انجام می‌رساند، لازم به ذکر است که کتاب جمهور به ده بخش تقسیم شده است و هر بخش را یک کتاب می‌نامند. به هر حال، در چهار کتاب مزبور در جمهور یک جامعه سوسیالیستی همسود<sup>۲</sup> پایه‌ریزی می‌شود. در کتاب قوانین از ابتدای کتاب چهارم تا پایان کتاب دوازدهم صرف توضیح و تشریح ساختن آرمانشهر می‌شود. البته کتاب دهم قوانین درباره‌ی آرمانشهر نیست. رساله‌ای موسوم به «تتمه‌ی قوانین» بدست آمده است که در مورد اصالت آن تردید وجود دارد. نگرش افلاطون در رساله‌ی جمهور بسیار آرمان‌گرایانه است ولی دیدگاهش را در قوانین تعدیل نموده و رساله‌ی قوانین تا حد زیادی واقع بینانه‌تر می‌باشد. البته افلاطون شهر آرمانی اش را در کتاب «جمهور»

1- Laws

2- Common Wealth

زاییده خیال خود می داند (افلاطون، ۱۳۷۴: ۱۱۵) و در جایی دیگر، به صراحت می گوید: «گمان نمی کنم که یک چنین شهری در هیچ نقطه جهان وجود داشته باشد... شاید نمونه آن در آسمان موجود باشد تا هر کس بخواهد، بتواند آن را مشاهده کند و در استقرار حکومت نفس خود، از آن سرمشق گیرد» (همان: ۵۴۸). پس از افلاطون، ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م) کتابی به نام سیاست نوشت که می توان آن را نقدی بر دو رساله ی افلاطون دانست. در این کتاب، آرمان گرایی بیش از حد افلاطون نقد شده است و ارسطو طرح جامعه ی جدیدی را به نمایش می گذارد. کتاب ارسطو از کتابهای افلاطون واقع گرایانه تر است، اما کسی می تواند از آن بهره ی کافی ببرد که ابتدا کتاب جمهور را خوانده باشد.

گفتنی است برخی مثل شاتله معتقدند که کتاب جمهوری افلاطون در زمره آرمان شهرها به حساب می آید، اما دیدگاه برخی دیگر، آن است که جمهوری را نمی توان به درستی کتابی آرمان شهری دانست، زیرا به رغم وجود همانندی های فراوان بین این کتاب و برخی آرمان شهرها (به ویژه آرمان شهر مور یا کامپانلا)، این شباهت، سطحی بوده، جمهوری تفاوتی عمیق با اندیشه آرمان شهر دارد. جمهوری افلاطون اگر چه آرمان شهر نیست، نیای بلافصل و تردیدناپذیر آن است، چرا که بیش تر آرمان شهرها، جز تعبیری نوین از دیدگاه های افلاطون نیستند (روویون، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۰).

در مسیحیت سده های میانه، دولت الهی آگوست مقدس، مدینه فاضله در جهان ملائک، به مؤمنین معرفی گردید. در مورد آرمان شهر آگوستین مورخان بر این باورند که در قرن ۵ میلادی که پایه های امپراطوری روم به سستی نهاد و شهر رم توسط فرمانروای ویرنگوت تصرف شد، بسیاری از بت پرستان آن عصر، به بهانه شکسته شدن اقتدار حکومت روم، بر ضد دین مسیح به فعالیت پرداختند و این شبهه را طرح کردند که سقوط نظام حاکم در نتیجه ترک ایمان به خدایان سنتی و گرویدن به مسیحیت است و اینگونه بود که آگوستین در مقابل این شبهه افکنی ها ایستاد و کتاب شهر خدا را با جدا کردن طرفداران چند خدائی از مسیحیان موحد به نگارش درآورد و دیدگاه خویش را در مورد شهر آرمانی خویش تبیین کرد (کلارک، ۱۳۷۹: ۵۱).

در نظر آگوستین جایگاه کسانی که از هر دو جهان فارغ بوده اند شهر خداست، که در مقابل آن شهر جهان وجود دارد. شهر زمینی مربوط به حفاظت کالبد مادی انسان و شهر خدا مربوط به سرنوشت روحانی اوست. محبت و وفاداری انسان از اندازه فزون است و برخی اوقات او را

گرفتار کشمکش می کند. حتی در روزگار آگوستین نیز نزاعی درباره پذیرش خدایان سنتی روم و خدای مسیحیت وجود داشت. وی یقین داشت که سرانجام باید شهر خدا همه اشیا را تحت نفوذ خود درآورد و باید مردمان خود را در اختیار آن بگذارند و از قوانین آن پیروی کنند، زیرا که وحدت و پاکی حواریان و قدرت کلیسا همه از آنجا سرچشمه می گیرد. افکار وی اساس نظری قدرت، در حوزه کلیسا قرار گرفت (آدی، ۱۳۶۸؛ ۱۰۶).

در سده های بعد، آثار بسیاری درباره جامعه آرمانی در اروپا نگاشته شد، از جمله :

توماس مور (۱۴۷۸-۱۵۳۵م) فیلسوف، سیاستمدار و حقوقدان انگلیسی است که از پیشگامان نظریه آرمان شهری در غرب است (کنی، ۱۳۷۴: ۵-۱۹). مور، در رساله ادبی خود به نام «آرمان شهر»، به توصیف جزیره ای آرمانی و امن پرداخته که همه ساکنان این جزیره که در ۵۴ شهر بزرگ و زیبا زندگی می کنند، دارای زبان و قوانین و آداب و رسوم مشترک هستند. توزیع منابع در همه شهرها یکسان است، مالکیت خصوصی از میان رفته است، فقر و فلاکت، از جامعه رخت بر بسته و پیروان همه ادیان مختلف، در کنار یکدیگر، بدون هیچ تعصبی در صلح و آرامش زندگی می کنند (مور، ۱۳۶۱: ۱۹-۲۹). اثر مور، در قرن شانزدهم در طرز تفکر رهبران نهضت های مذهبی با گرایش های سوسیالیستی آلمان هم چون لوتر و نیکلا اشتورک و توماس مونتر تأثیر گذاشت. نوشته او در شکل گیری نظریه کمونیزم به خصوص در نیمه دوم قرن هجدهم تأثیر بسیار عمیقی داشت (موسکا، بوتو، ۱۳۷۰: ۱۶۳-۱۶۴).

آناکارسیس کلوتس<sup>۱</sup> فرانسوی یکی دیگر از نظریه پردازان یوتوپیا است که در آغاز انقلاب فرانسه، خود را سخنگوی بشر خواند و نقشه رسیدن به جامعه آرمانی را مطرح کرد. او معتقد بود که آمیزش همه ملت های جهان با یکدیگر و تشکیل «ملت واحد»، راهی به سوی سعادت آرمانی است.

توماس کامپانلا یکی دیگر از نظریه پردازان برجسته آرمان شهر است. او در کتاب «شهر آفتاب» خود، معتقد است که بشر، از طریق اصلاح نژاد، با روش پیشگیری از به دنیا آمدن افراد شرور مادرزاد و تشکیل ملت واحد و رسیدن به وحدت سیاسی، به جامعه آرمانی دست می یابد. «شهر آفتاب» کامپانلا بر اساس قوانین طبیعت و آئین خرد هدایت می شود و در آن نظام اجتماعی شهر خورشید نسبت به بیگانگان سخت گیر نیست و با آنان به احترام برخورد کند.

1 - Anacharsis \_ Cloots

فرانسیس بیکن فیلسوف و متفکر انگلیسی، قرون شانزده و هفده میلادی متفکر آرمان پرداز دیگری است که خواهان اصلاح زندگی از طریق گسترش علم و دانش و پرهیز از خرافات بود. وی عقل و حکمت و دین را امری لازم برای پیشرفت زندگی بشر می‌دانست و در کتاب «آتلانتیس نوین»، از آرمان‌شهری سخن گفته که در آن، عدالت و تقوا حاکم است. این فیلسوف، اعتقاد داشت که عدالت و پارسایی و دانش و حکمت و سلطه‌یافتن انسان بر طبیعت، امکان رسیدن به سعادت و خوشبختی را برای همگان فراهم می‌کند.

در قرن بیستم فرانسیس فوکویاما را می‌توان از نظریه پردازان آرمانگرایی دانست. او در نظریه خود، ادعا کرده که لیبرال دموکراسی، آخرین و بهترین شکل دولت برای همه ملل جهان است و جهانی‌شدن این حکومت، پایان تاریخ بشر خواهد بود. نظریه‌پرداز «پایان تاریخ» معتقد است که به دلیل فقدان جایگزین‌های معتبر، پس از شکست کمونیزم، نظام لیبرال دموکراسی، صورت نهایی و عام تاریخ بشر خواهد بود (Fukuyama, 1992: 18-22).

او مدعی است که نظام دموکراسی لیبرال، هر چند دارای مشکلات و نقصان است، بر دیگر نظام‌های سیاسی جهان، برتری خواهد یافت. به اعتقاد او، ملت‌ها، به دلیل تفاوت فرهنگ در حوزه زبان و دین و قومیت، در مقابل این نوع حکومت، مقاومت خواهند کرد؛ اما سرانجام، آن را خواهند پذیرفت.

نظریه فوکویاما از طرف برخی جنبش‌های فکری، از جمله روشن‌فکران مسلمان، مردود شمرده شد. وی پس از واقعه یازده سپتامبر، مجبور شد در نظریه خود تجدید نظر کند. او به ضعف الگوی مورد نظر خود، اعتراف کرد؛ اما با وجود این، همه گونه‌های دیگر حکومت در جهان معاصر را ارتجاعی خواند (قرضاوی و سلیمی، ۱۳۸۲: ۵-۱۲).

در مقابل آرمان‌شهرهای مثبت، برخی طرح‌های یوتوپیایی در قالب یوتوپی منفی، دیستوپیا و یا ضد یوتوپی<sup>۱</sup> هستند و شامل داستان‌هایی می‌شوند که دنیای تخیلی ناخوشایند، ناامن، سخت و وحشتناکی را برای بشریت در آینده ترسیم می‌نمایند که حاصل بدبینی انسان قرن بیستم به پیشرفت‌های بشری در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و تکنولوژی است مانند منفی‌گرایی‌های آلدوس هاکسلی، جورج اورول، آرنو شمیت، زامیاتین و...

1 - Anti Utopia

امکان جنگ اتمی، دولت اتوریته‌ی دیکتاتور، تسلط منفی علم و صنعت بر انسان، بیگانگی فرد در فاشیسم، استالینیسم، و کاپیتالیسم، نابودی محیط زیست و طبیعت، موجب شده‌اند که آثاری ضدیوتوپستی روانه‌ی بازار شود.

به‌عنوان نمونه آلدوس هاکسلی در رمان «دنیای قشنگ نو» یک جامعه کمونیستی را که قرار است در حدود سال ۲۶۰۰ میلادی جامه‌ی تحقق یابد به تصویر می‌نماید که قادر است انسان آزمایشگاهی را در مقیاس وسیع تولید نماید و او را براساس شغل آینده‌اش بسازد تا نیازها و اغراض مدینه خویش را برآورده سازد و هیچ‌گاه از آن تکالیف محوله تخطی نکند که در این صورت «پدر و مادر»، مهر و محبت و ... معنایی ندارد و تنها فلاکت و بردگی را به دنبال خواهد داشت (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۶۰). همچنین جورج اورول در رمان «قلعه حیوانات» مجموعه‌ای از حیوانات را تصویر می‌نماید که همراه با هم انسانها را از قلعه بیرون می‌نمایند تا یک جامعه اشتراکی حیوانی را تشکیل دهند ولی ناگهان خوکها بر آنها حاکم گشته و دوباره حکومتی خودکامه مشابه قبل ایجاد می‌شود و همان ظلم‌ها و بهره‌کشی‌های مالک قبلی بر آنها روا داشته می‌شود، اورول در این رمان در پی نقد جامعه‌ی دهقانی- اشتراکی پس از انقلاب روسیه است (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۶۲).

البته در کنار رمان معروف «قلعه حیوانات»، مهمترین اثر اورول کتاب «۱۹۸۴» است که یک اثر ضد یوتوپیا بشمار می‌آید. در این کتاب او جهانی را ترسیم می‌کند که نقطه مقابل یوتوپیا‌های رفاه آمیز و لذت طلبانه گذشته است. برخلاف ناکجاآبادهای گذشته که بر اساس شادی و عدالت قرار داشتند دنیای ۱۹۸۴ اورول بر پایه نفرت قرار دارد. تنها احساساتی که در این جهان دیده می‌شوند ترس و خشم و غلبه هستند. تنها پیشرفت، پیشرفت بسوی درد و ستیزه است. دولت‌های جهان در ۱۹۸۴ به سه بخش عمده تقلیل می‌یابند؛ یکی اقیانوسیه، دوم اروپا به‌مراه قسمتی از آسیا و سوم آسیای شرقی. این دولت‌ها دائماً در حال جنگ با یکدیگرند. ایدئولوژی‌های سیاسی هر سه در واقع یکی است ولی در نام متفاوت است. عناصر عمده این ایدئولوژی‌ها نازیسم و کمونیسم شوروی است. ساخت اجتماعی هر سه جامعه نیز مشابه است. در رأس هرم اجتماعی برادر بزرگ قرار دارد که همه قدرت در دست اوست ولی کسی او را نمی‌بیند. در سطح پایین تر از برادر بزرگ، حزب درونی قرار دارد که شامل ۲٪ از جمعیت و در واقع «مغز» دولت است. بعد از آن حزب بیرونی قرار دارد که به مثابه دست‌های دولت است و



بالاخره در پایین هرم توده های جاهل که ۸۵٪ جمعیت را در بر می گیرند به سر می برند. این سیستم اجتماعی نتیجه انقلاب، پاکسازی و ضدپاکسازی بوده است. تا سال ۱۹۷۰ همه رهبران بجز برادر بزرگ یکدیگر را می کشند. از آن پس برادر بزرگ قدرت را قبضه کرده و خود را معبود یگانه و نقطه تمرکز ستایش، ترس و وفاداری شهروندان می سازد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۶۳). جهان ۱۹۸۴ بر اساس انعطاف پذیری و دستکاری طبیعت آدمی عمل می کند. حکام و رهبران اقیانوسیه افتخار می کنند که دائماً طبیعت انسان را ساخته و باز ساخته اند و بطور کلی آن را نسبت به وضعیت پیش از انقلاب دگرگون کرده اند. سیستم ۱۹۸۴ نیز بر زاد و ولد اعمال کنترل می کند و خانواده را از میان بر می دارد و همه وفاداری ها بجز وفاداری به به دولت را از بین می برد. هدف جامعه ۱۹۸۴ بر انگیختن نفرت در میان مردم است تا هر کسی را بر ضد همسایه اش برانگیزد و با از میان بردن هرگونه احساس رابطه انسانی جای احساس ستایش از برادر بزرگ را هر چه بیشتر باز کند. رهبران ۱۹۸۴ دارای جنون قدرت هستند و تنها راه حفظ قدرت را در آزار دادن مردم می بینند. قدرت نوعی دیگر آزاریست و شکنجه و سرکوب در نهاد آن نهفته است. در حالیکه جهان نوهاکسلی جهان صلح و خرسندی و بیدردی است. جهان ۱۹۸۴ اورول جهان ستیزه، خیانت، ظلم، اعدام و شکنجه است. همچنین برخلاف جهان نو که در آن حدودی بر جستجوی لذات مادی متصور نیست، در جهان ۱۹۸۴ هرگونه لذت جویی جرمی است بر علیه دولت و برادر بزرگ. دولت ۱۹۸۴ کوشش می کند انگیزه عشق را از جامعه ریشه کن کند و در عوض انگیزه مرگ را جانشین آن سازد. اما با این وجود نقض قوانین ضد لذت جویی در جامعه ۱۹۸۴ بسیار دیده می شود. جرم، اختلاط جنسی، فحشاء و خرید و فروش مواد مخدر در نظر بسیاری از شهروندان تنها راه منطقی ابزار نفرتشان نسبت به نظام حاکم است. به این ترتیب حتی اخلاق مخالفین نیز در چنین نظامی فاسد می شود.

به مانند هاکسلی و اورول، آرتور کستلر (۱۹۸۳-۱۹۰۵) نیز از نظریه پردازان ضد یوتوپی بشمار می آید. کستلر در سال ۱۹۰۵ در بوداپست زاده شد و خبرنگار یکی از روزنامه های مجارستان در خاورمیانه بود. در ۱۹۳۱ عضو حزب کمونیست شد لیکن پس از تصفیه بزرگ و محاکمات سال ۱۹۳۶ در مسکو از حزب خارج شد. در جنگ داخلی اسپانیا خبرنگار یکی از روزنامه های بندن در آن کشور بود و خود در طی جنگ اسیر و زندانی گردید. در طی جنگ جهانی دوم نیز در فرانسه اسیر و زندانی شد اما پس از جنگ به ارتش انگلیس پیوست. اثر عمده کستلر ظلمت نیمروز است که داستان محاکمات مسکو و بخصوص محاکمه یکی از

کمیسره‌های روسی است که تحت شرایط شکنجه روحی شخصیتش استحاله یافته و اقرار به جرائمی می‌کند که هرگز مرتکب نشده است. وی خود را به این طریق توجیه می‌کند که هیچ چیز جز وفاداری به حزب اهمیت ندارد و فداکاری خود را لازمه حفظ حزب می‌داند.

کستلر در کتاب دیگری تحت عنوان «جوکی و کمیسر» (۱۹۴۶) میان فلسفه‌های «جوکی» و «کمیسر» تقابل ایجاد می‌کند. جوکی اعتقاد دارد که هرگز نمی‌توان از طریق تغییر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی به جهان بهتر دست یافت. در عوض هرگونه پیشرفت بستگی به رستگاری و تهذیب نفس فرد دارد. بدون از میان بردن خودخواهی و رشک و کینه نمی‌توان جهان پیرامون را دگرگون ساخت.

در مقابل، فلسفه کمیسر بر اساس اصل «تغییر از بیرون» قرار دارد. کمیسر عقیده دارد که باید نظام جهان را بکلی بهم ریخت تا امکان پیدایش جامعه‌ای نوین فراهم شود. وی تنها به اهداف نظر دارد و آماده است از هر وسیله‌ای از جمله خیانت و خونریزی و انقلاب در راه اهداف خود بهره گیرد. فرد را تنها از طریق اجتماع می‌توان تغییر داد. کستلر معتقد است که کوشش در راه آرمانشهر یا مدینه فاضله همواره مواجه با شکست می‌شود. چنین کوشش‌هایی یا به حکومت هراس و وحشت ختم می‌شود و یا سرانجام کارشان با سازش و رسوایی می‌کشد. از سوی دیگر کوشش جهت تغییر دادن جهان «از درون» نیز ناکام می‌ماند زیرا نتیجه آن انفعال و پذیرش اجتناب‌ناپذیر شر خواهد بود. خلاصه اینکه کستلر معتقد است: «نه قدیسان و نه انقلابیون هیچ یک نمی‌توانند انسان را به رستگاری رسانند. زیرا قدیسان محیط اجتماعی و شرایط اقتصادی و علل آدمی را نادیده می‌گیرند و وقتی هنگام تأسیس مدینه فاضله با این موانع روبرو می‌شوند لزوماً جامعه را به هراس می‌کشند.» تنها راه حل به نظر کستلر ترکیبی از قدیس و انقلابی است که خود ترکیبی نامتحمل به نظر می‌رسد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۶۴).

اما در مقابل نظر این اندیشمندان، برخی از صاحب‌نظران، از دستیابی به جهانی آرمانی، مایوس هستند. «گرت جونز»، در کتاب خود می‌نویسد: «هیچ‌گاه به جهانی دست نخواهیم یافت که بیماری، پیری و مرگ از آن رخت بر بسته باشد، یا در آن، زلزله و بلاهای طبیعی نباشد... هر کسی که از ناکجاآبادی سخن بگوید که در آن، همه چیز در گلشن دوست‌داشتنی است، فقط رؤیا می‌پرورد» (جونز، ۱۳۸۴: ۱۵).

نکته اخیر آن که، اندیشه آرمان شهر و طلب جامعه ناکجاآباد از نقادی اندیشمندان غربی نیز در امان نمانده است. از جمله کسانی که به انتقاد از این اندیشه پرداخته‌اند، کارل پوپر است.

وی معتقد است که ناکجا آبادگرایی، نه تنها در مقام عمل ممکن نیست، بلکه خطرناک نیز می‌باشد. بر اساس شیوه ناکجاآبادی هر عمل عقلانی باید هدفی داشته باشد، از این رو، پیش از هر عملی، باید هدف نهایی خود را برگزینیم. حال به کارگیری این اصول در عرصه فعالیت سیاسی، اقتضاء می‌کند که پیش از دست زدن به هر گونه اقدام عملی، اول هدف سیاسی نهایی را که همان دولت آرمانی باشد، تعیین کنیم. تنها هنگامی می‌توان در عرصه سیاست عملی، به خصوص در زمینه مهندسی اجتماعی، دست به رفتارهای عقلانی زد که هدف نهایی تعیین شده، طرح جامعه‌ای که هدف ماست، در دست باشد. پس شیوه برخورد ناکجاآبادی مبتنی است بر اعتقاد افلاطون‌وار به آرمانی یگانه و دگرگون‌نشده‌ی، به اضافه دو فرض دیگر: الف) تعیین قطعی این آرمان، ب) تعیین قطعی وسایل تحقق آن. حال آن که به گفته پوپر، «حتی خود افلاطون و پر حرارت‌ترین افلاطونیان» نیز اذعان دارند که هیچ روش عقلی برای تعیین هدف نهایی وجود ندارد. در نتیجه شیوه تحصیل چنین هدفی نیز در هاله‌هایی از ابهام واقع است. از منظر او اشکالات دیگری نیز بر اندیشه ناکجاآبادگرایی وارد است، از جمله این که، این اندیشه منجر به دیکتاتوری و رادیکالیسم افراطی می‌شود (پوپر، ۱۳۷۷: ۳۷۵-۳۵۴).

### نتیجه گیری

آنا تول فرانس، متفکر، سیاستمدار و نویسنده برجسته فرانسوی، سخنی شیرین دارد. او می‌گوید: بدون داشتن یوتوپیا، انسان هنوز در غارها و بصورتی بیچاره و لخت می‌زیست. این ذهن یوتوپیایی بود که نخستین شهر را ساخت... و از درون رویاهای خویش واقعیات مفید را بیرون کشید. یوتوپیا اصل بنیادین پیشرفت و وسیله‌ای برای سنجش آینده‌ای بهتر است. در واقع، هیچ نحله فکری معتبری را نمی‌توان یافت که بر بنیاد تصور نوعی یوتوپیا ساخته نشده باشد. از «افسانه گیل گمش» ایرانیان باستان تا «جمهور» افلاطون، از «شهر خدا»ی آگوستین، تا «یوتوپیای» توماس مور و از «مدینه فاضله» فارابی گرفته تا «جهان کمونیستی» کارل مارکس، یا حتی جهان مهیب «دنیای قشنگ‌نو» آلدوس هاکسلی، همه احتجاجات سیاسی و فلسفی این نگرش‌ها بر پایه تصور نوعی ناکجا آباد شکل گرفته‌اند. با این حال تفاوت آشکاری که در مفهوم و ماهیت مدینه‌های فاضله و آرمان شهرهای فلاسفه و مکاتب مختلف وجود دارد جنبه زمینی یا روحانی و یا اسطوره‌ای بودن آنهاست. یوتوپیایی

مور، با آن که صبغه‌ای دینی دارد، اما اصول جامعه‌کمونستی بر آن حاکم است. مدینه فاضله فارابی با اتکا احکام شریعت بیشتر رنگ فلسفی دارد و کلی‌گویی در آن اصلی اساسی است و.. تصویری که از شهر آرمانی در سیمای توصیفی نامبردگان ارائه گشته است، برحسب ادراکات و مواضع سیاسی و مذهبی و ایدئولوژیکی و فرهنگی عصر آنها بوده است. گاه آرمانشهر در افسانه‌ها، اساطیر و افتخارات ملی گذشته جستجو شده و گاه به صورت بازآفرینی‌ای تکنولوژیکی و ایدئولوژیکی در آینده و گاه در یادآوری انتظار فرج، در دستیابی به آینده‌ای موعود برای ضعفا و محرومان زمین، ترسیم گشته است.

تمدن اسلامی به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد خود، سیما و چهره خاص خود را از آرمانشهر مطلوب خود ترسیم می‌نماید. این آرمانشهر دارای صفات و ویژگی‌های منحصر به فردی در اندیشه اسلامی است. بهره‌گیری از منابع و مراجع مربوط به اصول و ارزش‌های اسلامی و علی‌الخصوص قرآن کریم و نیز سنت و سیره رسول اکرم (به‌عنوان اسوه حسنه امت اسلامی) و روایات رسیده از معصومان، می‌تواند ما را به صفات و ویژگی‌های منحصر به فرد آرمانشهر اسلامی رهنمون باشد.

با جستجو در آثار و کلمات ائمه هدی و معصومان (ع) در می‌یابیم که نوعی خاص از آرمان شهر ملموس و دینی، متکی بر آموزه‌های قرآنی و اسلامی در اندیشه آنان وجود دارد که همه چیز در آن کاملاً روشن و زلال و بدون هیچ‌گونه ابهامی مشخص شده است و کاملاً رنگ الهی و فراپیشری دارد. به تعبیری دیگر، جامعه آرمانی اسلامی از پیوند ملک و ملکوت شکل می‌گیرد و خدایی سمیع، بصیر و علیم و در عین حال، رئوف، رحیم و مجیب در رأس آن است.

#### فهرست منابع

#### الف) منابع فارسی

- آدی آلبرت (۱۳۶۸). سیر فلسفه در اروپا. ترجمه علی اصغر حلبی. تهران: انتشارات زوار.
- اصیل، حجت الله (۱۳۸۱). آرمانشهر در اندیشه ایرانی. تهران: نشر نی.
- افلاطون (۱۳۵۷). جمهوری. ترجمه حسن لطفی. تهران: خوارزمی.
- افلاطون (۱۳۷۴). جمهوری. ترجمه فؤاد روحانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). سیری در نظریه‌های جدید در علوم سیاسی. تهران: نشر علوم نوین.
- بهار، مهرداد (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: انتشارات توس.

- پوپر، کارل (۱۳۷۷). **جامعه باز و دشمنان آن**. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: شرکت سهامی انتشار خوارزمی.
- جونز، گرت (۱۳۸۴). **ناکجا آباد؛ مسائل امروز در عصر جهانی**. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: سخن.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹). **اتوپیی و عصر جدید**. تهران: نشر ساقی.
- راسل برتراند (۱۳۷۳). **تاریخ فلسفه غرب**. ترجمه نجف دریا بندری. تهران: کتاب پرواز.
- روویون، فردریک (۱۳۸۵). **آرمانشهر در تاریخ اندیشه غرب**. ترجمه: عباس باقری، تهران: نشر نی.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۰). **آواز پر جبرئیل**. تصحیح، تحشیه و مقدمه سید حسین نصر. مقدمه و تحلیل فرانسوی هانری کربن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شهرزاد، شاه‌سنی (۱۳۷۷). «آرمانشهر نظامی گنجوی»، **کیهان فرهنگی**، شماره ۱۴۸، آذر و دی .
- عارف‌حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۲). **نیک شهر قدسی؛ نقادی چهار الگو از جامعه آرمانی اندیشمندان غرب و مقایسه آنها با جامعه آرمانی حضرت مهدی (عج)**. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۱). **سیاست مدّتیّه**. ترجمه سیدجعفر سجّادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۶۱). **اندیشه‌های اهل مدینه فاضله**. ترجمه و تحشیه سید جعفر سجّادی. تهران: انتشارات طهوری.
- قرضاوی، یوسف و سلیمی، عبدالعزیز (۱۳۸۲). **جهانی شدن و نظریه پایان تاریخ و برخورد تمدن‌ها**. تهران: نشر احسان.
- کلارک، جیلین (۱۳۷۹). **اعترافات آگوستین**. ترجمه رضا علیزاده. تهران: نشر مرکز.
- کنی، آنتونی (۱۳۷۴). **تامس مور**، ترجمه عبدالله کوثری. تهران: طرح نو.
- گودن، کریستیان (۱۳۸۳). **آیا باید از اتوپیا اعاده حیثیت کرد؟**. ترجمه سوسن شریعتی. تهران: قصیده سرا.
- مکارم، محمدحسن (۱۳۷۷). **مدینه فاضله در متون اسلامی**. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- مور، تامس (۱۳۷۳). **یوتوپیا**. ترجمه داریوش آشوری و نادر افشار نادری. تهران: خوارزمی.
- موسکا گائتانو و بوتو، گاستون (۱۳۷۰). **تاریخ عقاید و مکتب‌های سیاسی**. ترجمه حسین شهیدزاده، تهران: انتشارات مروارید.

---

بررسی تطبیقی مفهوم آرمانشهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب

یاسپرس، کارل (۱۳۶۳). آگوستین. ترجمه محمد حسن لطفی. تهران: انتشارات خوارزمی.

ب ( منابع انگلیسی

Fukuyama ,Yoshihiro Francis (1992). **The End of History and the Last Man**. Free Press.

Mannheim, K. (1936). **Ideology and Utopia**. London: Routledge.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی